

محافظه کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

غریبه اسماعیلی کیا*، محمد اوشنی**، محمد بخشی***

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۱۹

چکیده

محافظه کاری و ارتباط ارزشی از موضوعات اصلی تحقیقات در نوشتارهای تخصصی حسابداری بوده‌اند. اخیراً کاهش در ارتباط ارزشی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و برخی دانشگاهیان کاهش آن را ناشی از افزایش حسابداری محافظه کارانه می‌دانند، به این دلیل که محافظه کاری، اعتبار را به مربوط بودن ترجیح می‌دهد. بنابراین این پژوهش رابطه بین محافظه کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزار شگری مالی و همچنین روند آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش حاضر بر اساس هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش اجرا، جزو تحقیقات توصیفی - همبستگی است. نمونه مورد مطالعه شامل ۹۳۰ مشاهده شرکت - سال برای دوره زمانی ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۴ است. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین محافظه کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی است، این نتیجه را بدین شرح می‌توان تبیین نمود که افزایش محافظه کاری منجر به ارتقای قابلیت اتکای اطلاعات و به تبع آن افزایش ارتباط ارزشی گزارشگری مالی شده است. علاوه بر این محافظه کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی در طول دوره مورد بررسی روندی افزایشی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: محافظه کاری شرطی، ارتباط ارزشی، گزارشگری مالی

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M15

DOI: 10.22051/jera.2018.18136.1863

* استادیار حسابداری، دانشگاه ایلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ایلام، ایران، (نویسنده مسئول)، (Gh.esmailikia@ilam.ac.ir)

** دکتری اقتصاد، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی باختر ایلام، ایلام، ایران، (Oshani.ff@gmail.com).

*** کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی باختر ایلام، ایلام، ایران، (Mohamadbakshshi1371@gmail.com).

مقدمه

استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی برای تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری، اعطای اعتبار و سایر تصمیمات مرتبط، نیاز به صورت‌های مالی صحیح دارند (رحمانی، اسماعیلی‌کیا، ۱۳۹۳) از این رو، هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات مربوط و معتبر به سرمایه‌گذاران و ذینفعان است. بر اساس مبانی نظری گزارشگری مالی در ایران، مربوط بودن و قابلیت اتکا دو ویژگی اصلی است که اطلاعات حسابداری را برای اخذ تصمیمات اقتصادی سودمند می‌سازد. طبق این بیانیه، اطلاعات حسابداری مربوط می‌باشد اگر توانایی این را داشته باشد که در تصمیم، تفاوت ایجاد نماید (مهرانی و مطمئن، ۱۳۹۲). هیئت استاندارد حسابداری مالی و کمیته جنکیز (۱۹۹۱)، که توسط مؤسسه حسابداران رسمی آمریکا تأیید شده است، در مورد این موضوع که "اعتبار" و "ارزش" مهم‌ترین خصوصیات گزارشگری مالی خوب و مناسب هستند، اتفاق نظر دارند. به علاوه، دانشگاهیان ارتباط و اعتبار را به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های اطلاعات مالی شناسایی کردند. بارث و همکاران (۲۰۰۱) این ویژگی‌ها را ترکیب نموده و مفهوم ارتباط ارزشی را معرفی کرده‌اند (تجسین و یاتدیریس، ۲۰۱۶). اطلاعات مالی اگر با ارزش‌های بازار مرتبط باشد، دارای ارتباط ارزشی است. اطلاعات صورت‌های مالی زمانی مربوط تلقی می‌شوند که بتوانند انتظارات سرمایه‌گذاران را در ارتباط ارزشی سهام تأیید کنند و یا آن را تغییر دهند (مهرانی و مطمئن، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از ویژگی‌های گزارشگری مالی که توجه زیادی را به خود جلب کرده، محافظه‌کاری است. در ادبیات حسابداری تعاریف چندی از محافظه‌کاری به عمل آمده و در یک دسته‌بندی محافظه‌کاری به دو دسته محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی تقسیم شده است. محافظه‌کاری شرطی توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است، یعنی اینکه سود؛ اخبار بد را بسیار سریع‌تر از اخبار خوب منعکس می‌نماید و منجر به شناسایی به موقع تر زیان می‌شود. اما محافظه‌کاری غیرشرطی در استانداردهای پذیرفته شده حسابداری الزام نگردیده و به عبارتی کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها بواسطه رویه‌های از پیش تعیین شده حسابداری است (بنی مهد و باغبانی، ۱۳۸۸).

ارتباط ارزشی و محافظه‌کاری دو موضوع اصلی تحقیقات در نوشتارهای تخصصی حسابداری بوده‌اند. در حال حاضر، دانشگاهیان و متخصصان بر این باورند که محافظه‌کاری

در گزارشگری مالی، اعتبار را به ارتباط ترجیح می‌دهد، در حالی که هر دو برای گزارشگری مالی مهم در نظر گرفته می‌شوند. اخیراً، کاهش در ارتباط ارزشی توجه زیادی را به خود جلب کرده است (بالاچانداران و موهانرام، ۲۰۱۱). دونتو و همکاران (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند که ارتباط ارزشی اطلاعات مالی در حال کاهش است، چون "حسابداری ناتوان شده است" و دیگر آنچه را که مربوط است، نشان نمی‌دهد. محققین دانشگاهی دیگر، استدلال می‌کنند که کاهش ارتباط ارزشی ناشی از افزایش حسابداری محافظه کارانه است. حتی محققانی وجود دارند که استدلال می‌کنند رابطه قابل توجهی بین افزایش محافظه کاری و کاهش ارتباط ارزشی وجود ندارد (تجسین و یاتدیریس، ۲۰۱۶). بنابراین، افزایش محافظه کاری ممکن است تنها به طور جزئی کاهش در ارتباط ارزشی را توضیح دهد. استرلینگ (۱۹۶۷) و واتس (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که محافظه کاری حسابداری با تحمیل میزان بالاتر قابلیت اتکا و قابلیت تأیید، اطلاعات قابل اتکاتری را برای اهداف ارزش‌گذاری و انعقاد قرارداد، فراهم می‌کند. این موضوع بیانگر آن است که افزایش محافظه کاری باید به جای کاهش ارتباط ارزشی، آن را افزایش دهد (مهرانی و مطمئن، ۱۳۹۲). محافظه کاری از یک سو در محدود کردن آزادی عمل و خوش‌بینی مدیران، حمایت از حقوق ذینفعان و حل بسیاری از مشکلات نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی نقش دارد. علاوه بر این باعث اطمینان بیشتر در انتظارات و برآوردهای سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان از حداقل عایدات شده و بدین ترتیب باعث افزایش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری می‌شود، اما از سویی دیگر ممکن است موجب غیر واقعی شدن اطلاعات حسابداری شده و مربوط بودن آن را به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کاهش دهد. همانگونه که مشخص شد دیدگاه‌های متضادی در خصوص ارتباط محافظه کاری و ارتباط ارزشی وجود دارد و مقاله حاضر به دنبال بررسی وجود این رابطه در شرایط بومی ایران است، بنابراین مساله پژوهش حاضر این است که آیا محافظه کاری شرطی با ارتباط ارزشی گزارشگری مالی رابطه دارد؟ و همچنین آیا روند محافظه کاری شرطی و ارتباط ارزشی در طی دوره مورد بررسی صعودی بوده است یا خیر؟

با توجه به توضیحات فوق، نتایج این پژوهش به ایجاد بینش در مورد محافظه کاری و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی و روند آن‌ها به حسابداران مالی، تدوین‌کنندگان استانداردها، حساب‌برسان و سرمایه‌گذاران کمک خواهد کرد.

مروری بر پیشینه

تجسین و یاتدیریس (۲۰۱۶) در مقاله محافظة كاری شرطی و ارتباطی ارزشی گزارشگری مالی، به بررسی رابطه این دو عامل در اتحادیه اروپا و ایالات متحده پرداخته‌اند. این پژوهش یافته‌هایی بدین شرح گزارش نمود: نخست آنکه رابطه مثبت قابل توجهی بین محافظة كاری از طریق اقلام تعهدی و ارتباطی ارزشی وجود دارد. دوم، رابطه منفی قابل توجهی بین شناسایی به موقع زیان و ارتباط ارزشی وجود دارد. نتیجه سوم آنکه، استانداردهای حسابداری قادر نیستند توضیحی را ارائه کنند که منجر به سطوح متفاوت محافظة كاری شرطی شود. در آخر، این تحقیق شواهدی ارائه می‌نماید که محافظة كاری شرطی در حال افزایش و ارتباطی ارزشی در حال کاهش است.

سیرینا و ساری (۲۰۱۶) با هدف بررسی تأثیر بکارگیری سطوح حسابداری محافظة كارانه بر ارتباط ارزشی اطلاعات سود حسابداری، پژوهشی با این موضوع در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار اندونزی انجام و یافته‌هایی بدین شرح مستند نمودند: بکارگیری حسابداری محافظة كارانه اثر منفی بر ارتباط ارزشی اطلاعات سود حسابداری دارد. ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری در شرکت‌هایی با سطح محافظة كاری کم یا متوسط افزایش می‌یابد و در شرکت‌های با محافظة كاری بیشتر، کاهش می‌یابد.

ربکا و هم‌پژوهان (۲۰۱۵) در پژوهش خود با این استدلال که علیرغم انجام مطالعات متعدد در رابطه با محافظة كاری و ارتباط ارزشی در کشورهای توسعه یافته، این موضوع در کشور نیجریه کمتر مورد توجه قرار گرفته، موضوع مذکور را در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار این کشور بررسی نمودند. یافته‌های آنان نشان داد که استفاده بیشتر از روش‌های محافظة كارانه توسط شرکت‌ها، محتوای اطلاعات برآوردهای مالی را تحت تأثیر قرار داده و بازده سهام را که می‌توان به عنوان نتیجه ارزیابی (برآیند) ارزیابی بازار از اعتبار افشا دانست، کاهش می‌دهد.

گوکمن (۲۰۱۳) با انگیزه غنی نمودن ادبیات محافظة كاری حسابداری در کشور ترکیه در پژوهشی با عنوان مطالعه تجربی محافظة كاری شرطی و ارتباط ارزشی سود، به یافته‌ای بدین شرح دست یافت: محافظة كاری شرطی اثری منفی بر ارتباط ارزشی سود دارد که این نتیجه از

تصمیم هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی مبنی بر حذف محافظه‌کاری از چارچوب مفهومی پشتیبانی می‌نماید.

اخلوفی (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی سود در دوره زمانی بعد از IFRS در دو کشور فرانسه و آلمان پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن بود که ارتباط ارزشی سود در فرانسه افزایش یافت، اما این حالت در رابطه با آلمان پس از معرفی IFRS مصداق نداشته است. همچنین نتایج نشان داد که در آلمان در دوره زمانی بعد از IFRS، بین محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی سود رابطه منفی وجود دارد، اما در فرانسه این رابطه مستند نشد.

بالاچاندان و موهانام (۲۰۱۱)، ۱۰۰ شرکت ایالات متحده آمریکا را در سال ۱۹۸۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و دریافتند که محافظه‌کاری در واقع افزایش یافته است. اول، حسابداری با افزایش در شناسایی به موقع زیان مواجه شده است. دوم، دارایی‌هایی که ذاتاً در معرض رفتار محافظه‌کارانه بیشتری قرار دارند، افزایش یافته‌اند.

مانگاناری و هم‌پژوهان (۲۰۱۱) در پژوهش محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی: شواهدی از بخش مالی اروپا، میزان محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی را در چهار کشور اروپایی (آلمان، فرانسه، یونان و انگلستان) بررسی نمودند. نتایج، شواهدی را مبنی بر وجود محافظه‌کاری در همه کشورهای قبل از پذیرش IFRS و کاهش میزان آن بعد از سال ۲۰۰۵ تنها در کشورهای فرانسه و آلمان مستند نمود. علاوه بر این درک سرمایه‌گذاران از ارتباط ارزشی در انگلستان افزایش و در سه کشور دیگر کاهش یافته است. تجزیه نمونه بر اساس میزان محافظه‌کاری نشان داد که به استثنای آلمان در طی ۲۰۰۵ الی ۲۰۰۸ محافظه‌کاری بیشتر (کمتر) با ارتباط ارزشی کمتر (بیشتر) همراه است، برعکس یافته‌ها در سال‌های ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۴.

کاسندیس و هم‌پژوهان (۲۰۰۹) اثرات گزارشگری محافظه‌کارانه بر ارتباط ارزشی سودهای حسابداری نمونه‌ای از شرکت‌های یونانی در طی سال‌های ۱۹۸۹ الی ۲۰۰۳ را بررسی نمودند، یافته‌های این بررسی حاکی از آن بود که میزان محافظه‌کاری بعد از بحران ۱۹۹۹ بازار سرمایه افزایش یافته است، علاوه بر این زمانی که با تغییر از شرکت‌های با محافظه‌کاری پایین به

شرکت‌های با محافظه‌کاری متوسط، ارتباط ارزشی افزایش و با تغییر به شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا، کاهش می‌یابد.

شهابی‌نژاد و بهارمقدم (۱۳۹۵) در تحقیقی، رابطه ارزشی اطلاعات مالی با محافظه‌کاری مشروط و نامشروط حسابداری را بررسی نمودند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که ارتباط معناداری بین رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری و محافظه‌کاری مشروط و نامشروط وجود ندارد. این یافته نشان‌دهنده آن است که شرکت‌هایی که رابطه‌ی ارزشی بالاتری دارند اخبار بد را بیشتر از اخبار خوب در سود حسابداری منعکس نمی‌کنند، به عبارت دیگر در گزارشگری مالی محافظه‌کار نیستند و شدت محافظه‌کاری نامشروط نیز تأثیری در رابطه ارزشی اطلاعات مالی ندارد.

مهرانی و مطمئن (۱۳۹۲) در مقاله محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ پرداختند. یافته‌های مقاله نشان داد که علیرغم افزایش میزان محافظه‌کاری در سال‌های اخیر، نمی‌توان محافظه‌کاری را مرتبط با ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری دانست.

خدمی‌پور و هم‌پژوهان (۱۳۹۱) ارتباط محافظه‌کاری و رابطه ارزشی سود با چرخه تجاری را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نمودند. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که رابطه محافظه‌کاری و رابطه ارزشی سود جاری در دوره‌های رکود اقتصادی بالاتر است، اما رابطه ارزشی سود مورد انتظار آتی در طول دوره‌های رونق بیشتر است که این به معنی کاهش حتمی همبستگی بین اطلاعات تاریخی حسابداری و فرصت‌های رشد آتی است.

کردستانی و ایرانشاهی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر محافظه‌کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام مشاهده نمودند که میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام در شرکت‌های با درجه محافظه‌کاری بالا و پایین تفاوت معناداری با هم ندارد.

خدمی‌پور و محرومی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی وجود محافظه‌کاری و تأثیر آن بر رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار در طی سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۷ پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از وجود محافظه‌کاری در شرکت‌های مورد بررسی

بود، علاوه بر این نتوانستند رابطه مشخص و واضحی بین میزان محافظه‌کاری و رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری بیابند.

فرضیه‌های پژوهش

محافظه‌کاری در حسابداری معمولاً به عنوان انتخاب یک رویه از میان رویه‌های حسابداری تلقی می‌شود که به کم‌نمایی ارزش دارایی‌ها و سود منجر می‌شود (بالاچاندان و موهانرام، ۲۰۱۱) و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، توانایی تشریح (قدرت توضیح دهندگی) اطلاعات حسابداری در رابطه با ارزش شرکت است. پیش از این اشاره شد که دیدگاه‌های متضادی در خصوص ارتباط محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی وجود دارد. از آنجایی که محافظه‌کاری در گزار شگری مالی، قابلیت اتکا را بر ارتباط ترجیح می‌دهد، بطور کامل اثرات محافظه‌کاری بر ارتباط ارزشی شفاف نیست. نوشتارهای تخصصی نیز در این زمینه نتایج ترکیبی ارائه نموده است. مطالعاتی نظیر براون و هم‌پژوهان (۲۰۰۶) به رابطه مثبتی بین محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی دست پیدا نموده‌اند، ولی تحقیقاتی نیز وجود دارند که استدلال می‌کنند افزایش محافظه‌کاری باعث کاهش ارتباط ارزشی شده است. هر دو مدل فلت‌هم و اولسون و باسو (۱۹۹۷) شامل شناسایی این رابطه منفی هستند (تجسین و یاتدیریس، ۲۰۱۶). برخی از تحقیقات نیز عدم وجود رابطه بین این دو متغیر را مستند نموده‌اند (مهرانی و مطمئن، ۱۳۹۲، خدای‌پور و محرومی، ۱۳۹۰). در نتیجه، با توجه به این یافته‌های متضاد و عدم وجود یک نظریه واحد برای تبیین ارتباط بین این دو متغیر، فرضیه‌ای بدین شرح تدوین گردیده است:

فرضیه اول: بین محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزار شگری مالی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه نخست این پژوهش، دیدگاهی در رابطه با وضعیت کنونی ارتباط بین محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی ارائه می‌نماید، اما چشم‌اندازی دینامیک و فعال در مورد آن‌ها فراهم نمی‌نماید. بنابراین فرضیه‌های دوم و سوم روند تغییرات این دو متغیر را در طی دوره تحقیق مدنظر قرار می‌دهد. گیولی و هین (۲۰۰۰) یافتند که سطح محافظه‌کاری طی سال‌های ۱۹۵۶-۱۹۹۸ و بطور ویژه در طی نیمه دوم دوره مورد بررسی افزایش یافته است. علاوه بر این لو و زاروین (۱۹۹۹) کاهش در ارتباط ارزشی سود گزارش شده در همان دوره (۱۹۹۶-۱۹۷۷) را ثبت نمودند. از

سویی دیگر، یافته‌های بالاچاندران و موهانرام (۲۰۰۶) و براون و هم‌پژوهان (۲۰۰۶) نتایج عکسی را مستند نموده است. نتایج تحقیق اندره و فیلیپ (۲۰۱۲) نشان‌دهنده کاهش محافظه‌کاری در کشورهای با بازارهای سرمایه کمتر توسعه یافته و کشورهای با بازار بدهی توسعه یافته‌تر بوده است. برعکس بالاچاندران و موهانرام (۲۰۱۱) با تحلیل نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی-مشابه با یافته پیشین خود- دریافتند که محافظه‌کاری واقعا افزایش یافته است. تجسین و یاتدیریس (۲۰۱۶) نیز دریافتند که محافظه‌کاری شرطی در حال افزایش و ارتباطی ارزشی در حال کاهش است. همانگونه که مشاهده می‌شود مشابه با رابطه بین محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی، یافته‌های تحقیقات پیشین در مورد روند این دو متغیر طی زمان نیز بیانگر نتایج متفاوتی بوده است، بر این اساس دو فرضیه به شرح زیر تدوین و بررسی می‌گردد:

فرضیه دوم: محافظه‌کاری شرطی در طی زمان (دوره مورد بررسی) روند مثبتی دارد.

فرضیه سوم: ارتباط ارزشی گزارشگری مالی در طول زمان (دوره مورد بررسی) روند مثبتی دارد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری و از لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. همچنین برحسب روش، جزء پژوهش‌های توصیفی - همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ است که حائز شرایط زیر می‌باشند:

(۱) شرکت قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۴ در بورس فعال باشد.

(۲) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری‌های مالی، هلدینگ، بانک‌ها و یالیزینگ‌ها نباشند.

۳) سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.

۴) اطلاعات مالی شرکت‌ها در دسترس باشد.

با اعمال شرایط فوق فهرست نهایی شامل ۱۸۶ شرکت بدست آمد و بر این اساس اطلاعات مربوط به نمونه در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ در دسترس قرار گرفت. داده‌های لازم به منظور آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای ره‌آوردنوین و تدبیرپرداز جمع‌آوری شد. پس از انتخاب شرکت‌های نمونه و گردآوری داده‌های لازم در طی دوره مذکور، جهت دسته‌بندی و انجام برخی محاسبات از نرم‌افزار صفحه گسترده اکسل استفاده گردید. در تجزیه و تحلیل اطلاعات با توجه به نیاز، از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شد و نهایتاً تخمین مدل‌های تحقیق با بکارگیری نرم‌افزار ایویوز ۸ انجام و نتایج تجزیه و تحلیل شد.

متغیر و مدل‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه نخست به پیروی از مقاله تجسین و یاتدیریس (۲۰۱۶) از طریق طی مراحل به این شرح انجام می‌شود: (۱) اندازه‌گیری ارتباط ارزشی قیمت (۲) اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی (۳) بررسی بین ارتباط ارزشی قیمت و محافظه‌کاری شرطی.

در نخستین گام برای سنجش ارتباط ارزشی قیمت سهام بر مبنای تحقیق تجسین و یاتدیریس (۲۰۱۶) از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$sp_j = \alpha_0 + \sum \beta_1 \times IND_j \times EPS_j + \sum \beta_{11} \times IND_j \times EPS_j \times LOSS_j \\ + \sum \beta_2 \times IND_j \times BVPS_j \\ + \sum \beta_{22} \times IND_j + \varepsilon_j \quad \text{معادله شماره (۱)}$$

به صورتی که در آن، sp_j قیمت سهام هر سهم برای شرکت j ، EPS_j سود هر سهم برای شرکت j ، $BVPS_j$ ارزش دفتری هر سهم برای شرکت j ، $LOSS_j$ متغیر مجازی برای احتمال زیان است که اگر EPS_j برابر ۱ می‌شود و در غیر این صورت صفر، IND_j متغیر مجازی برای صنعت بر اساس طبقه‌بندی در بورس تهران، ε_j جمله خطای رگرسیون با فروض کلاسیک است.

در گام دوم برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی از دو مدل باسو و مدل AACF بال و شیواکومار استفاده می‌شود:

الف - مدل باسو بشرح زیر است:

$$\frac{EPS_{it}}{P_{i,t-1}} = \alpha_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 DR_{it} \times RET_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{معادله (۲)}$$

به ترتیبی که در آن سمت چپ معادله نسبت سود هر سهم شرکت i در سال t به قیمت هر سهم شرکت i در سال $t-1$ ، که بعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود، DR_{it} متغیر مجازی با ارزش یک، اگر بازده سالانه شرکت i در سال t منفی باشد و در غیر اینصورت صفر، RET_{it} بازده سهام شرکت i در سال t ، ε_{it} جمله خطای رگرسیون است.

ب - مدل AACF به شرح زیر است:

$$ACC_j = \alpha_0 + \beta_1 \times DCF_j + \beta_2 \times CF_j + \beta_3 \times DCF_j \times CF_j + \varepsilon_j \quad \text{معادله (۳)}$$

به ترتیبی که ACC_j ارقام تعهدی مقیاس گذاری شده با دارایی‌های کل برای شرکت j ، CF_j جریان نقدی عملیاتی مقیاس گذاری شده با دارایی‌های کل برای شرکت j ، DCF_j متغیر مجازی است که اگر $CF_j < 0$ باشد، این متغیر مقداری برابر با ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر اختیار خواهد کرد و ε_j جزء خطای رگرسیون است.

۳- با توجه به اینکه محافظه‌کاری شرطی بر اساس دو مدل باسو و AACF اندازه‌گیری شده است، در این پژوهش برای آزمون فرضیه اول از دو مدل رگرسیونی زیر بر مبنای تحقیق تجسین و یاتدیریس (۲۰۱۶) استفاده شده است:

$$SP_{i,t} = \alpha + \beta_1 (E/P_{i,t}) + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + U_{i,t} \quad \text{معادله (۴)}$$

$$SP_{i,t} = \alpha + \beta_1 ACC_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + U_{i,t} \quad \text{معادله (۵)}$$

به ترتیبی که در این مدل‌ها $SP_{i,t}$ بیانگر ارتباط ارزش قیمت سهام، $E/P_{i,t}$ محافظه‌کاری شرطی بر اساس مدل باسو، $ACC_{i,t}$ محافظه‌کاری شرطی بر اساس مدل AACF، $Size_{i,t}$ اندازه شرکت و $LEV_{i,t}$ اهرم مالی می‌باشد.

در دو مدل فوق، متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده و دارای پشتوانه نظری به این شرح است که از دیدگاه نظری، شرکت‌های بزرگ و با فروش بسیار بالا احتمالاً سودآوری بیشتری (زیان‌دهی کمتری) در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند زیرا از صرفه‌های مقیاس استفاده کرده و هزینه متوسط پایین‌تری به نسبت شرکت‌های کوچک‌تر دارند. از این رو، اندازه شرکت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها داشته باشد (کلین و مارکوارت، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه در این پژوهش اجزای تشکیل دهنده محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی قیمت سهام را بازده و سود هر سهم تشکیل می‌دهد، بنابراین اندازه شرکت، به عنوان متغیر کنترل لحاظ گردیده است. همچنین نتایج پژوهش مک‌کونل و سرواس (۱۹۹۵) نشان داد که افزایش بدهی و پیرو آن افزایش هزینه‌های مالی باعث می‌شود تا مدیران به منظور خوب نشان دادن عملکرد شرکت‌ها و نیز جذب سرمایه گذاران، دست به مدیریت سود بزنند (مک‌کونل و سرواس، ۱۹۹۵)، که این امر می‌تواند بر محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزش قیمت سهام تأثیر گذار باشد، بنابراین در این پژوهش از اهرم مالی نیز به عنوان متغیر کنترل استفاده شده است.

برای آزمون فرضیه دوم از مدل زیر که در آن تغییرات محافظه‌کاری شرطی بر اساس مدل باسو اندازه‌گیری می‌شود، استفاده شده است:

$$CC_t = \alpha + \beta_j TIME + U_{i,t} \quad \text{معادله (۶)}$$

به ترتیبی که در آن CC_t به روند تغییرات محافظه‌کاری شرطی، $TIME$ به متغیر مجازی برای روند زمانی (۱ برای سال ۱۳۹۰، ۲ برای سال ۱۳۹۱، ... و ۵ برای سال ۱۳۹۴) و $U_{i,t}$ به جزء خطا اشاره دارد.

برای آزمون فرضیه سوم، که روند ارتباط ارزشی را بررسی می‌کند، مدل مورد استفاده به شرح زیر می‌باشد:

$$VR_t = \alpha + \beta_j TIME + U_{i,t} \quad \text{معادله (۷)}$$

به ترتیبی که در آن VR_t بیانگر ارتباط ارزشی گزارشگری مالی، $TIME$ متغیر مجازی برای روند زمانی است (۱ برای سال ۱۳۹۰، ۲ برای سال ۱۳۹۱، ... و ۵ برای سال ۱۳۹۴) و $U_{i,t}$ خطا است.

یافته‌های پژوهش

نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مدل را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای مورد بررسی	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	کشیدگی	چولگی
قیمت سهام	۹۳۰	۴۰۰۳/۷۰۸	۱/۶۰۹	۱۰۸۹۰/۷۸	۱۰۰	۲/۸۶	۰/۰۹
سود هر سهم	۹۳۰	۳۱۸۶/۸۹۸	۱/۷۹۸	۸۰۹۱/۸۹	-۲۳۰	۳/۲۳	۰/۱۴
بازده سهام	۹۳۰	۰/۳۷۱	۱/۷۰۳	۰/۷۳۱	-۰/۳۱	۲/۸۷	۰/۴۳
ارتباط ارزشی گزارشگری مالی	۹۳۰	۲۵۷۳/۶۲۵	۰/۳۸۷	۷۶۸۶	-۲۳۱	۱/۷۴	۰/۱۲
محافظة کاری شرطی روش باسو	۹۳۰	۰/۲۳۹۷	۰/۲۸۷۳	۲/۳۱۷۷	-۲/۸۹۹۸	۱/۸۵	-۰/۱۸
محافظة کاری شرطی روش ACC	۹۳۰	۰/۰۳۱۲	۰/۳۵۴۷	۲/۵۲۲۱	-۲/۱۸۵۸	۱/۹۹	-۰/۰۱۴
روندها بر اساس معیار ارتباطات ارزشی	۹۳۰	۰/۴۶۷۱	۰/۱۰۹۳	۰/۹۲۳۲	۰/۲۲۱۸	-	-
روندها بر اساس معیار محافظة کاری شرطی	۹۳۰	۰/۳۴۵۲	۰/۲۱۶۵	۰/۷۹۸۷	-۰/۴۵۳۲	-	-
اندازه شرکت	۹۳۰	۱۳/۷۲	۰/۳۷۹	۱۷/۳۸	۱۳/۳۱	۰/۴۲	۰/۶۹
اهرم مالی	۹۳۰	۰/۵۳۳	۰/۰۷۰	۰/۶۱	۰/۴۲	۱/۸۵	۰/۷۰

همانطور که مشاهدات نگاره (۱) نشان می‌دهد، شرکت‌های مورد مطالعه در این تحقیق در طی بازه زمانی مورد مطالعه به صورت میانگین ۳۷ درصد بازدهی داشته‌اند که با انحراف معیار ۱/۷۰۳ پراکندگی اندکی را نشان می‌دهد. همچنین شرکت‌ها به طور متوسط ۳۱۸۶ ریال به ازای هر سهم سود داده‌اند که البته در این مورد نیز انحراف معیار ۱/۷۹۸ بدست آمده است که نشان دهنده پراکندگی بین سود هر سهم شرکت‌ها می‌باشد.

آزمون فرضیه‌ها

به منظور گزینش یکی از روش‌های داده‌های تابلویی و یا داده‌های تلفیقی برای تخمین مدل‌های پژوهش از آماره F لیمر استفاده شده است. به عبارت دیگر آماره F لیمر تعیین

می‌کند که عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از شرکت‌ها وجود دارد یا خیر. در صورتی که در بین مشاهدات، ناهمگنی یا تفاوت‌های فردی وجود داشته باشد، از روش داده‌های تابلویی و در غیر این صورت از روش داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود. زیرا فقط داده‌ها بروی هم انباشته شده و تفاوت ساختاری بین آن‌ها لحاظ نمی‌گردد. اگر پس از انجام آزمون F لیمر، فرضیه صفر رد شده باشد، این پرسش مطرح می‌شود که مدل‌ها را می‌توان در قالب کدام یک از روش‌های اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی بررسی کرد که آزمون هاسمن این موضوع را مشخص می‌کند. فرضیه صفر (روش اثرات تصادفی) در این آزمون به این معنی است که ارتباطی بین جزء اخلاص مربوط عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی وجود ندارد و از یکدیگر مستقل هستند. در حالی که فرضیه مقابل (روش اثرات ثابت) به این معنی است که بین جزء اخلاص مورد نظر و متغیر توضیحی همبستگی وجود دارد. بنابراین در صورت رد فرضیه صفر از روش اثرات ثابت و در غیر این صورت روش اثرات تصادفی استفاده می‌شود. نتایج مربوط به این دو آزمون در نگاره (۲) ارائه می‌گردد.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

مدل	آماره	مقدار آماره	سطح معناداری
فرضیه اول	F لیمر	۱۸/۷۲۱۹۴۵	۰/۰۰۰
	هاسمن	۸/۸۱۵۳۲۰	۰/۰۱۲
فرضیه دوم	F لیمر	۱۴/۱۵۱۳۴۱	۰/۰۰۰
	هاسمن	۴/۶۸۷۷۶۵	۰/۰۲۳
فرضیه سوم	F لیمر	۱۵/۵۰۹۹۸۷	۰/۰۰۰
	هاسمن	۵/۴۵۳۳۴۵	۰/۰۲۳

با در نظر گرفتن نگاره (۲)، سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون F لیمر برای هر سه فرضیه کمتر از ۵٪ است، لذا فرض صفر رد شده و روش داده‌های پانل پذیرفته می‌شود. بنابراین برای انتخاب روش اثرات تصادفی یا اثرات ثابت آزمون هاسمن انجام شد. در این راستا، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون هاسمن برای هر دو فرضیه کمتر از ۵٪ است، در نتیجه روش اثرات ثابت پذیرفته و بکار گرفته می‌شود. در ادامه نتایج آزمون فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مدلی که برای آزمون فرضیه اول مورد استفاده قرار گرفته، ارتباط ارزشی گزارشگری مالی به عنوان متغیر وابسته، محافظه‌کاری شرطی به عنوان متغیر مستقل و دو متغیر اندازه شرکت و اهرم مالی نیز به عنوان متغیرهای کنترل لحاظ شده است. با توجه به اینکه روش اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی بر اساس دو مدل باسو و ACC می‌باشد، از دو مدل زیر استفاده شده است:

$$SP_{i,t} = \alpha + \beta_1 E/P_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + U_{i,t}$$

$$SP_{i,t} = \alpha + \beta_1 ACC_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + U_{i,t}$$

نگاره (۳): نتایج برازش مدل‌های رگرسیونی فرضیه اول

محافظه‌کاری شرطی مدل ACC				محافظه‌کاری شرطی مدل باسو			
احتمال خطا	آماره t	ضریب بتا	متغیرها	احتمال خطا	آماره t	ضریب بتا	متغیرها
۰/۰۰۰	۱۳/۲۱۳	۲/۲۴۱	ضریب ثابت	۰/۰۰۰	۱۴/۴۰۹	۳/۳۸۴	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۳۷/۵۴	۴/۱۷۶	ACC	۰/۰۰۰	۵۷/۷۵	۵/۱۷۶	E/P
۰/۰۰۰	۵/۳۴۳	۰/۴۵۳	Size	۰/۰۰۰	۵/۰۰۲	۰/۰۸۲	Size
۰/۰۰۰	-۱۸/۱۴۴	-۳/۲۳	LEV	۰/۰۰۰	-۳۸/۳۴۷	-۵/۸۳	LEV
۰/۸۷۳		R ²		۰/۸۸۲		R ²	
۰/۸۷۲		R ² تعدیل شده		۰/۸۸۲		R ² تعدیل شده	
۱۱۳۴/۱۷۸		F		۱۲۲۰/۱۹۷		F	
۰/۰۰۰		سطح معناداری		۰/۰۰۰		سطح معناداری	
۲/۳۱		دوربین واتسون		۲/۳۷		دوربین واتسون	

نتایج نگاره (۳) نشان می‌دهد که با توجه به آماره F و سطح معناداری بدست آمده که به ترتیب برابر با ۱۲۲۰/۱۹۷ و ۰/۰۰۰ می‌باشد می‌توان گفت که رابطه بین متغیرهای مستقل و کنترل با متغیر وابسته (ارتباط ارزشی گزارشگری مالی) معنادار می‌باشد. آماره دوربین واتسون ۲/۳۷ بدست آمده است که کمتر از ۲/۵ بوده و نشان دهنده عدم همبستگی خطاها می‌باشد. ضریب تعیین ۰/۸۸ به دست آمده است که نشان می‌دهد ۸۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله سه متغیر محافظه‌کاری شرطی، اندازه شرکت و اهرم مالی تبیین شده است.

با توجه به نتایج تخمین، ضرایب تمام متغیرها در سطح بالایی معنی‌دار هستند. ضریب متغیر محافظه‌کاری شرطی (E/P) بر اساس مدل باسو برابر با ۵/۱۷۶ می‌باشد که نشان دهنده رابطه

مثبت و معنادار بین محافظه کاری شرطی و ارتباطات ارزشی سهام می‌باشد. در مدل دوم ضریب ACC مقدار ۴/۱۷۶ با علامت مثبت اختیار کرده است که بازهم نشان‌دهنده تأثیر معنی‌دار محافظه کاری شرطی بر روی ارتباط ارزشی گزارشگری مالی می‌باشد. هم‌چنین ضریب متغیر اندازه شرکت (Size) در مدل اول و دوم به ترتیب برابر با ۰/۰۸۲ و ۰/۴۵۳ می‌باشد که نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار اندازه شرکت بر ارتباط ارزش گزارشگری مالی می‌باشد و می‌توان گفت در واقع اندازه شرکت‌ها تأثیر زیادی بر ارتباط ارزشی گزارشگری مالی ندارد. ضریب متغیر اهرم مالی (LEV) در مدل اول و دوم به ترتیب برابر با ۵/۸۳- و ۳/۲۳- می‌باشد که نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار متغیر اهرم مالی بر ارتباط ارزش گزارشگری مالی در هر دو مدل است.

در فرضیه دوم که بدنبال بررسی روند محافظه کاری شرطی در دوره پژوهش بود، محافظه کاری شرطی (CC) به عنوان متغیر وابسته و متغیر زمان به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. برای آزمون این فرضیه مدل مذکور برآورد شده که نتایج آن در ادامه قابل مشاهده است:

$$CC_t = 6.335 + 1.716 \text{TIME} + U_{i,t}$$

نگاره (۴): نتایج برازش مدل رگرسیونی فرضیه دوم

روند محافظه کاری شرطی			
متغیرهای	ضریب بتا	آماره t	احتمال خطا
ضریب ثابت	۶/۳۳۵	۲۷/۱۷۶	۰/۰۰۰
۱۳۹۰	۰/۲۰۷	۱۸/۱۱	۰/۰۰۰
۱۳۹۱	۰/۲۹۹	۱۷/۴۴۵	۰/۰۰۰
۱۳۹۲	۰/۳۵۱	۱۱/۹۸۵	۰/۰۰۰
۱۳۹۳	۰/۳۸۸	۱۲/۴۴۳	۰/۰۰۰
۱۳۹۴	۰/۴۷۱	۱۰/۹۰۸	۰/۰۰۰
R ²		۰/۳۱۲	
R ² تعدیل شده		۰/۳۱۱	
F		۱۵۲/۲۶۶	
سطح معناداری		۰/۰۰۰	
دوربین واتسون		۲/۰۱	

نتایج نگاره (۴) نشان می‌دهد که با توجه به آماره F و سطح معناداری بدست برای روند محافظه کاری شرطی که به ترتیب برابر با ۱۵۲/۲۶۶ و ۰/۰۰۰ می‌باشد می‌توان با اطمینان بیش از ۹۵ درصد گفت که تغییرات روند محافظه کاری شرطی در طی زمان معنادار می‌باشد. آماره دوربین واتسون ۲/۰۱ بدست آمده است که کمتر از ۲/۵ بوده و نشان دهنده عدم همبستگی خطاها می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد در دوره مورد مطالعه تغییرات روند محافظه کاری شرطی مثبت بوده و با توجه به سطح معناداری می‌توان گفت که تغییرات روند معنادار بوده است. بر این اساس در طول بازه زمانی تحقیق محافظ کاری شرطی شرکت‌های مورد مطالعه روند افزایشی داشته است.

در فرضیه سوم که بدنبال بررسی روند زمانی ارتباط ارزشی گزارشگری مالی است، متغیر ارتباط ارزشی گزارشگری مالی (VR) به عنوان متغیر وابسته و زمان به عنوان متغیر مستقل منظور شده است. نتیجه تخمین مدل برای آزمون این فرضیه بصورت زیر است:

$$VR_t = 6.335 + 3.28 \text{TIME} + U_{i,t}$$

نگاره (۵): نتایج برازش مدل رگرسیونی فرضیه سوم

روند ارتباط ارزشی گزارشگری مالی			
متغیر	ضریب بتا	آماره t	احتمال خطا
ضریب ثابت	۶/۳۳۵	۱۴/۴۱۲	۰/۰۰۰
۱۳۹۰	۰/۶۰۹	۱۰/۳۱۵	۰/۰۰۰
۱۳۹۱	۰/۶۳۱	۹/۳۱۵	۰/۰۰۰
۱۳۹۲	۰/۶۵۸	۱۲/۱۶۵	۰/۰۰۰
۱۳۹۳	۰/۶۸۱	۱۰/۲۱۱	۰/۰۰۰
۱۳۹۴	۰/۷۰۱	۱۱/۳۲۱	۰/۰۰۰
R ²		۰/۵۰۱	
R ² تعدیل شده		۰/۵۰۲	
F		۲۱۱/۱۸۷	
سطح معناداری		۰/۰۰۰	
دوربین واتسون		۱/۹۷	

نتایج نگاره (۵) نشان می‌دهد که با توجه به آماره F و سطح معناداری بدست برای روند ارتباط ارزشی گزارشگری مالی که به ترتیب برابر با ۲۱۱/۱۸۷ و ۰/۰۰۰ می‌باشد می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد گفت که تغییرات روند ارتباط ارزشی گزارشگری مالی در طی زمان معنادار می‌باشد. آماره دوربین واتسون ۱/۹۷ بدست آمده است که کمتر از ۲/۵ بوده و نشان دهنده عدم همبستگی خطاها می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد در دوره مورد مطالعه تغییرات روند ارتباط ارزشی گزارشگری مالی مثبت بوده است که با توجه به سطح معناداری می‌توان گفت که تغییرات روند معنادار بوده است. بر این اساس در طول بازه زمانی تحقیق ارتباط ارزشی گزارشگری مالی شرکت‌های مورد مطالعه روند افزایشی داشته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیش از این اشاره شد که در سال‌های اخیر ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری مورد انتقاد محققین بازار سرمایه در حسابداری قرار گرفته است. نتایج حاصل از شماری از مطالعات این ذهنیت و عقیده را ایجاد نمود که ارقام حسابداری، ارتباط ارزشی خود را از دست داده است (ربکا و هم‌پژوهان، ۲۰۱۵). نوشتارهای تخصصی موجود در مورد ارتباط ارزشی حاکی از کاهش آن در طی زمان بود، برخی تحقیقات نیز افزایش ارتباط ارزشی را مستند نمودند، بهر حال نتایج پژوهش‌ها ترکیبی بود. برخی از محققین کاهش ارتباط ارزشی را ناشی از افزایش حسابداری محافظه‌کارانه می‌دانند، اما واقعیت این است که جهت رابطه بین ارتباط ارزشی و محافظه‌کاری روشن نیست. اگر اطلاعات غیرقابل تایید به اندازه کافی نیز غیر قابل اتکا شود، مربوط بودن آن اطلاعات ممکن است که کاهش یابد، از این رو ارتباط ارزشی ممکن است که رابطه مثبتی با محافظه‌کاری داشته باشد. از سویی دیگر، محافظه‌کاری ممکن است منجر به غیر واقعی شدن و کاهش مربوط بودن اطلاعات حسابداری شده و به رابطه منفی ارتباط ارزشی با محافظه‌کاری منتج شود. بر مبنای توضیحات ارائه شده، در مقاله حاضر رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی و روند این دو متغیر در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۹۳۰ مشاهده شرکت-سال برای دوره زمانی ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۴، نتایج نشان داد که بین

محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های تجسین و یاتدیریس (۲۰۱۶)، کا سندیس و هم‌پژوهان (۲۰۰۹) و براون و همکاران (۲۰۰۶) مبنی بر وجود رابطه مثبت بین محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی، همسو است. رابطه مثبت مذکور را می‌توان به این شکل توجیه نمود که حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند اعتبار اطلاعات مالی را افزایش دهد، به این دلیل که محافظه‌کاری به برآورد کمتر مبالغ و اندازه‌گیری عینی‌تر آن‌ها منجر می‌شود، بر این اساس اطلاعات با کیفیت بالاتر متعاقباً کیفیت برآوردها را افزایش خواهد داد و باعث بهبود ارتباط ارزشی شده و نهایتاً رابطه مثبتی بین محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی وجود خواهد داشت.

نتیجه حاصل از بررسی فرضیه دوم حاکی از روند مثبت محافظه‌کاری شرطی در طی زمان (دوره ۵ ساله تحقیق) است که این یافته، هماهنگ با یافته‌های تجسین و یاتدیریس (۲۰۱۶)، بالاچاندران و موهانرام (۲۰۰۶) و (۲۰۱۱)، براون و هم‌پژوهان (۲۰۰۶)، گیولی و هین (۲۰۰۰) و مهرانی و مطمئن (۱۳۹۲) می‌باشد.

بررسی فرضیه سوم بیانگر وجود روند مثبت ارتباط ارزشی در طی زمان (دوره ۵ ساله تحقیق) می‌باشد که این نتیجه با یافته اخلوفی (۲۰۱۳) و براون و هم‌پژوهان (۲۰۰۶) همسو می‌باشد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، این موضوعات برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد:

- با توجه به معنی‌داری رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی، پیشنهاد می‌شود رابطه بین این دو متغیر به تفکیک نوع صنعت بررسی شده، و نتایج با یکدیگر مقایسه گردد.

- عوامل متعددی (نظیر کیفیت گزارشگری مالی و تغییرات در استانداردها و....) ممکن است بر رابطه بین محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی اثرگذار باشد، لذا انجام پژوهش از طریق بررسی اثرات این متغیرها به عنوان تعدیل‌گر می‌تواند پیشنهاد می‌گردد.

بدیهی است که در انجام هر کار تحقیقی محدودیت‌هایی وجود دارد، تحقیق حاضر هم از این قاعده مستثنی نبوده یکی از محدودیت‌ها لحاظ نکردن آثار تورم و سایر متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای پژوهش است، این مطلب ممکن است نتایج را تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- بنی‌مهد، بهمن، باغبانی، تهمینه. (۱۳۸۸). اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت‌ها. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶ (۵)، ۷۰-۵۳.
- خدایی‌پور، احمد، کرشاهی، بهنام، تفتیان، اعظم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه محافظه‌کاری و رابطه ارزشی سود با چرخه تجاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی. ۴ (۳)، ۸۶-۷۱.
- خدایی‌پور، احمد، محرومی، رامین. (۱۳۸۹). رابطه ارزشی اطلاعات حسابداری محافظه‌کارانه و غیرمحافظه‌کارانه، مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۸ (۳۰)، ۹۸-۷۹.
- رحمانی، علی، اسماعیلی‌کیا، غریبه. (۱۳۹۳). دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های بورسی و تأثیر آن بر ارتباط ارزشی سود، مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱۱ (۴۳)، ۲۳-۱.
- شهبابی‌نژاد، سعید، بهارمقدم، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین رابطه ارزشی اطلاعات مالی با محافظه‌کاری مشروط و نامشروط. پنجمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، ۱-۱۳.
- کردستانی، غلامرضا، ایرانشاهی، محمد. (۱۳۹۱). تأثیر محافظه‌کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام، دانش حسابرسی. ۱۲ (۴۶)، ۳۳-۱۸.
- مهرانی، ساسان، مطمئن، محسن. (۱۳۹۲). محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی. ۲ (۱)، ۶۱-۴۵.
- Akhlooufi, F. (2013). The relationship between conditional conservatism and value relevance of earnings. Economics. Master thesis. *Erasmus School of Economics Accounting, Auditing and Control*.
- Andre, P. , Filip, A. (2012). Accounting conservatism in Europe and the impact of mandatory IFRS adoption: do country, institutional and legal differences survive? *ESSEC Business School cergy-pontoise*. , 1-60.
- Balachandran, S. V. and P. S. Mohanram. (2006). Conservatism and the value relevance of accounting information. *Unpublished working paper, Columbia University*. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1670508, 1-41.
- Balachandran S, Mohanram P. (2011). Is the Decline in the Value Relevance of Accounting Driven by Increased Conservatism?. *Review of Accounting Studies*, 16 (2). 272-301 .

- Bani mahd, Bahman, Baghbani Tahmineh. (2010). The effect of Accounting conservatism, governmental ownership, firm size and financial leverage on unprofitability of companies, *Journal of accounting and auditing review*, 16 (5), 53-70. (In Persian)
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 30 (1), 215-241.
- Brown Jr. , W. D. , He, H. , Teitel, K. , et al. (2006). Conditional conservatism and the value relevance of accounting earnings: an international study. *European Accounting Review*, 15 (4), 605-626.
- Givoly, D. , Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows, and accruals: has financial reporting become more conservative? *J. Account. Econ*, 29 (3), 287-320.
- Gokmen Mehpare Karahan. (2013). An Empirical Study On Conditional Conservatism And Value Relevance Of Earnings. *International Journal of Social Science*, 6 (2), 1697-1720.
- Khodamipour ahmad, Mahromi, Ramin. (2010). Value relevance of conservative and nonconservative information. *Financial accounting research*, 8 (30), 79-98.. (In Persian)
- Khodamipour ahmad , Karamshahi, B, Taftian, A. (2012). The investigation of the relationship between conservatism and value relevance of earnings with business cycle. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 4 (3), 71-86. (In Persian)
- Klein April & Marquardt Carol. (2006). Fundamentals of Accounting Losses. *The Accounting Review*, 81 (1), 179-206.
- Kordestani, gholamreza, Iranshahi, mohammad. (2012). impact of conservatism on relevance of accounting information to stock value. *Journal of Audit science*, 46 (12), 18-33.. (In Persian)
- Kousenidis b Dimitrios V, Anestis C. Ladas a, Christos I. Negakis. (2009). Value relevance of conservative and non-conservative accounting information, *The International Journal of Accounting*, 44 (3), 219-238.
- Lev, B. , Zarowin, P. (1999). The boundaries of financial reporting and how to extend them. *J. Account. Res*, 37 (2), 353-385.
- Manganaris Panayotis, Jordan Floropoulos and Irini Smaragdi. (2011). Conservatism and Value Relevance: Evidence from the European Financial Sector, *American Journal of Economics and Business Administration*, 3 (2), 254-264.
- Mehrani, sasan, Motmaen, mohsen. (2013). Conservatism and Value relevance of accounting information, *Applied research in financial reporting*, 2 (1), 45-61.. (In Persian)
- McConnell, J. and Servaes, H. (1995) , Equity Ownership and the two Faces of Deb. *Journal of Financial Economics*, 39 (1). 131-157.
- Thijssena ,Maximiliaan Willem Pierre, Iatridis, George Emmanuel. (2016). Conditional Conservatism And Value Relevance Of Financial Reporting: A Study In View Of converging Accounting Standards. *Journal Of Multinational Financial Management*, 37-38, 48-70.

- Rahmani, Ali, Esmaili, gharibe. (2014). The intangible assets in listed companies in Tehran stock exchange and their impact on value relevance, *Empirical studies in financial accounting quarterly*, 11 (43), 1-23. (In Persian).
- Rebecca Lawani Imade, Umanhonlen Ogbeiyulu Felix, Okolie Romanus Onyeisi. (2015). Conservatism and Value Relevance of Accounting Information in Quoted Firms in Nigeria, *International Journal of Finance and Accounting*, 4 (1), 21-39.
- Sebrina Nurzi, Sari Yuanita Karmenia. (2016). Effect of Conservatism to Value relevance of earnings information. *The 1st International Conference on Economics, Business, and Accounting*, 549-560.
- Shahabi nejad, saeed, bahar moghadam, mehdi. (2016). Examining the relationship between value relevance of financial information and conditional and unconditional conservatism, *Intj.conf. on accounting & management & Intl. conf. on Entrepreneurship & open Innovation*, 1-13. (In Persian).
- Watts, R. L. (2003) (b). Conservatism in accounting part II: Evidence and research opportunities. *Accounting Horizons*, 17 (4), 287-301.

Conditional Conservatism and Value Relevance of Financial Reporting

Gharibeh Esmailikia¹, Mohammad Oshani², Mohammad Bakhshi³

Received : 2017/12/11

Approved: 2018/04/08

Abstract

Conservatism and value relevance are both the main subjects of researches included in accounting literatures. The recent value relevance decreases are, according to some academics, due to increased conservative accounting because conservatism prefers credit to relevance. So this research investigates the relation between conditional conservatism and value relevance of financial reporting and their trends. This study is an applied and descriptive - correlation research in terms of the aim and the nature and method of implementation, respectively. The sample consists of 930 firm- year observations for the period from 2011 to 2015. The research findings indicate that there is a significant positive relation between conditional conservatism and value relevance of financial reporting, that is, an increase in conservatism leads to improvement of information reliability and consequently, an increase in the value relevance of financial reporting. Moreover, findings show that conditional conservatism and value relevance of financial reporting have had an incremental trend in this period.

Keywords: conditional conservatism, value relevance, financial reporting.

Jel clacification: M15, M41

DOI: 10.22051/jera.2018.18136.1863

¹ Assistant professor of Accounting, Ilam university, Ilam, Iran, corresponding author, (Gh.esmailikia@ilam.ac.ir)

² PhD of economic, non-profit high education institute of Bakhtar, Ilam, Iran, (Oshani.ff@gmail.com)

³ MSc., non-profit high education institute of Bakhtar, Ilam, Iran, (Mohamadbakhshi1371@gmail.com)